

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۹۵-۱۱۴

تحلیل و سطح‌بندی توسعه در مناطق روستایی شهرستان دشتی با تأکید بر رویکرد فازی*

یعقوب زارعی، مسعود مهدوی حاجیلویی، علی‌رضا استعلاجی، و رحیم سرور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

چکیده

بررسی حاضر در قالب یک پژوهش بنیادی با هدف تبیین وضعیت توسعه در مناطق روستایی شهرستان دشتی به انجام رسید. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده، گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از آمارنامه سال ۱۳۹۰ استان بوشهر صورت گرفت که طی آن، ۵۹ شاخص در ابعاد مختلف استخراج شد و سطح‌بندی میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان دشتی به شیوه کمی با استفاده از روش تاپسیس فازی و بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام شد. یافته‌های پژوهش، با ترسیم سیمایی نامتعادل از توسعه مناطق روستایی، از وجود یک شکاف منطقه‌ای عمیق در شهرستان دشتی حکایت داشت، به گونه‌ای که روند توزیع و دسترسی به منابع در هفت دهستان شهرستان دشتی گویای آن بود که دهستان‌های خورموج و کبگان، به ترتیب، دارای بیشترین میزان توسعه بودند و دهستان‌های شنبه، چغابور و مرکزی نیز در

*مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای یعقوب زارعی با عنوان «بررسی، تحلیل و سطح‌بندی توسعه روستایی در نواحی جنوبی ایران با تأکید بر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: استان بوشهر)» است.

**به ترتیب، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران؛ نویسنده مسئول و استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات تهران (mahdavihaj@yahoo.com)؛ استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری؛ و استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات تهران.

جرگه مناطق روستایی محروم قرار داشتند؛ همچنین، توسعه دهستان‌های طسوج با ۰/۳۷۹ و کاکي با ۰/۳۵۹ در سطح متوسط بود. نتایج نشان داد که توسعه متوازن مناطق روستایی در شهرستان دشتی مستلزم بازنگری در تخصیص منابع و امکانات، توزیع برابر فرصت‌ها و ارتقای کیفی خدمات در مناطق دورافتاده با هدف آمایش سرزمین است.

کلیدواژه‌ها: سطح‌بندی، توسعه، شیوه فازی، دشتی (شهرستان).

مقدمه

تغییرات اجتماعی - اقتصادی دهه‌های اخیر، عدم تعادل ناحیه‌ای و تمرکز بیش از حد امکانات در برخی نقاط (کوژهای توسعه) و محرومیت دیگر نقاط (مغاک عقب‌ماندگی) را در پی داشته است (نسترن و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). وجود این نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای که علاوه بر ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست، برنامه‌ریزان را بر آن داشته که فنون و روش‌هایی را ابداع کنند تا از طریق تعیین درجه توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی مناطق بتوانند به شناخت و تحلیل علل یا عوامل نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای دست یابند (بدری و همکاران، ۱۳۸۵: ۷). موضوع اولویت‌بندی و انتخاب گزینه‌های مطلوب از میان جایگزین‌های گوناگون و تصمیم‌گیری در مورد آنها در مباحث شهری و منطقه‌ای از اهمیت فراوان برخوردار است (خاکپور، ۱۳۸۸: ۱۸۵) تا جایی که در دهه‌های اخیر، برای تصمیم‌گیری‌های پیچیده توسعه در سطح مناطق، توجه محققان به مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره معطوف شده است (سلطان‌پناه و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰).

برای نمونه، سنجش پایداری اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان خدابنده با استفاده از شیوه رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹)، تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با تأکید بر رویکرد تحلیل عاملی (ضرابی و تبریزی، ۱۳۸۹)، تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای (موحد و همکاران، ۱۳۹۰)، رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد به روش فازی (کرمی و عبدشاهی، ۱۳۹۰)، مطالعه میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های

شهرستان مریوان (کرداونی و همکاران، ۱۳۹۱)، تحلیل توزیع فضایی جمعیت و خدمات شهری شهر فیروزآباد با رویکرد عدالت اجتماعی (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴)، و سنجش نحوه برخورداری شهرستان‌های کل کشور با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های ترکیبی و به‌کارگیری روش میانگین رتبه‌ای (نسترن و همکاران، ۱۳۹۴) از جمله پژوهش‌های محققان داخلی است که هر کدام به نوعی با بهره‌جستن از شیوه‌های متعدد تصمیم‌گیری به سنجش میزان توسعه مناطق کشور و ارزیابی عدم تعادل‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. در پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع تحقیق نیز پروژه تحقیقاتی وسیع سازمان ملل در زمینه نابرابری فضایی توسعه، با تجزیه و تحلیل داده‌های پنجاه کشور در حال توسعه، نشان‌دهنده نابرابری بالا بین حوزه‌های شهری و روستایی و مناطق برخوردار و محروم است که به توزیع نابرابر درآمد و سایر متغیرهای مختلف در سراسر مکان‌های فضایی اشاره دارد (Kanbur et al., 2005). اطلاعات موجود در مورد هند نیز حاکی از آن است که حداقل سه‌چهارم از مناطق روستایی این کشور در فقر به‌سر می‌برند (Patnaik, 2005). شواهد پژوهشی در آسیا نشان می‌دهد رشد سریع نه‌تنها باعث کاهش فقر نشده بلکه به افزایش نابرابری نیز انجامیده است (Kanbur, 2009) و پژوهشگری شیوه‌های ناعادلانه سیاسی، ویژگی‌های فیزیوگرافی و عقاید تعصب‌آمیز اجتماعی و فرهنگی را باعث توزیع غیرمنطقی زیرساخت و ظهور نابرابری منطقه‌ای می‌داند (Paul, 2012: 173).

بی‌تردید، مروری بر مطالعات یادشده، ضمن روشن ساختن جایگاه ویژه مطالعات منطقه‌ای در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی ملی، این واقعیت را به‌وضوح روشن می‌سازد که اکثر پژوهش‌های انجام‌شده فاقد یک رویکرد جامع در پرداختن به حل مسئله تحقیق بوده‌اند، چنان‌که بیشتر این مطالعات با تأکید بر شاخص یا معیارهایی خاص و گاه روش‌هایی نه‌چندان دقیق انجام شده و نتوانسته‌اند آن‌چنان که باید و شاید زمینه تبیین دقیق مقوله توسعه در حوزه روستایی را فراهم سازند، که پیامد آن را می‌توان نگاه‌های تک‌بعدی و تحلیل تنها برخی از زوایای توسعه روستایی از سوی مؤسسات، نهادها، و پژوهشگران دانست. با عنایت به کاستی‌های موجود در تحقیقات انجام‌شده، مطالعه

حاضر بر آن است تا با سنجش متغیرهای متعدد در چارچوبی جامع‌تر، به ارزیابی توسعه روستایی بپردازد.

از آنجا که تعادل بخشی به سطح توسعه در مناطق مختلف کشور طی دهه‌های اخیر همواره ذهن مجریان، برنامه‌ریزان و پژوهشگران اقتصادی-اجتماعی را به خود مشغول کرده است، شناخت وضعیت موجود مناطق، و به‌ویژه توانمندی‌ها، نقاط قوت و کاستی‌ها، محدودیت‌ها و نقاط ضعف در مقایسه با یکدیگر از اهمیت خاص برخوردار است (کریمی و عبدشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). در همین راستا، تحلیل و سنجش وضعیت نابرابری توسعه مناطق به لحاظ معیارهای مورد استفاده مستلزم بهره‌گیری از قاعده‌ای مشخص است که تحلیل چندمعیاره با تدارک یک روش‌شناسی در هدایت تصمیم‌گیران در فرایند حساس معیارهای ارزیابی و تعیین ارزش‌های مرتبط با وضعیت تصمیم‌گیری، این مهم را فراهم می‌آورد (نظم‌فر و پادروندی، ۱۳۹۴: ۳۳). بر همین اساس، بررسی حاضر نیز با هدف تحلیل و سطح‌بندی توسعه در مناطق روستایی شهرستان دشتی، تلاش دارد تا با به‌کارگیری روش‌های نوین تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی و تبیین دقیق وضعیت توسعه در مناطق مورد مطالعه، ضمن آگاه‌سازی مسئولان، زمینه توجه بیشتر برنامه‌ریزان به مناطق محروم را فراهم سازد.

مبانی نظری

توسعه را می‌توان فرایندی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست که برآمده از استانداردهای زندگی است و باعث بهبود سطح زندگی بخش‌های روزافزون می‌شود (قدیری معصوم و حبیبی، ۱۳۸۳)، و هدف آن بهبود مستمر زندگی جمعی بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منافع از ارکان اساسی آن به‌شمار می‌آید (ضرابی و همکاران، ۱۳۸۷). تودارو^(۱) توسعه را جریانی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کنی فقر مطلق است. میردال^(۲) نیز شرط لازم در تسریع روند توسعه را کاهش نابرابری مطرح کرده است. در همین زمینه، سیرز^(۳) میزان تغییرات فقر، بیکاری و

نابرابری را سؤالات اصلی توسعه یک کشور دانسته است (پناهی و مرسلی، ۱۳۸۵). شاید بتوان گفت که عنوان «توسعه جغرافیایی» در برابر توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی، نخستین بار، از سوی هارولدور^(۴) استاد جغرافیا دانشگاه مک‌مستر کانادا مطرح شد. وی در تعیین معیارهای جغرافیایی توسعه، به چند عامل از جمله عدالت اجتماعی، فناوری مهارشده، کنترل آلودگی‌های محیط زیست، سلامتی و رفاه اجتماعی جامعه، کیفیت زندگی، تهیه سرمایه لازم برای مناطق کم‌توسعه اشاره می‌کند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷). در این میان، در اوایل دهه ۱۹۹۰، توسعه روستایی تقریباً مترادف با توسعه کشاورزی بوده، مفهوم آن با اشاره ضمنی به عمران کلی مناطق روستایی با تمرکز بر اصلاح کیفیت زندگی روستاییان همراه بود. در چارچوب این مفهوم، توسعه روستایی موضوعی جامع و چندبعدی به‌شمار می‌رفت که توسعه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته بدان در مناطق روستایی را دربرمی‌گرفت (زمانی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۱). اصطلاح توسعه روستایی پس از شکل‌گیری به‌تدریج بسط و گسترش یافت تا جایی که امروزه، پیشرفت به‌سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری از مشخصه‌های اصلی آن و رفاه اجتماعی هدف نهایی آن به‌شمار می‌آید (رسول‌اف، ۱۳۷۹). هرچند، اهداف توسعه روستایی اساساً در چارچوب‌ها و بسترهای گوناگون و بر اساس شرایط عینی جوامع تعریف و تعیین می‌شوند، اما با این وجود، در اینجا از دو منظر می‌توان اهداف توسعه روستایی را تبیین کرد: الف) نظری-علمی، و ب) عملی-اجرایی. اهداف توسعه روستایی از منظر نظری-علمی بسترساز برای اعتلای شأن و منزلت انسان روستایی است و از منظر عملی-اجرایی، با توجه به گرایش‌های غالب سیاسی-اقتصادی و رویکردهای جاری به مقوله برنامه‌ریزی تبیین و تعیین می‌شوند (سعیدی و رستگار، ۱۳۸۸: ۱۱). آنچه مسلم است، این است که تجربه تاریخی فرایند توسعه در کشورهای توسعه‌یافته، این واقعیت را معلوم ساخته که توسعه روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه ملی است، ولی باید در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد. در کشور ما نیز ضرورت پرداختن به موضوع توسعه روستایی از سوی دولت و از چند دهه پیش احساس شده و در غالب موارد، محور سیاست‌های توسعه تلقی شده است (تقوی، ۱۳۸۰). به همین منظور، در پژوهش حاضر، برای تدوین چارچوبی منظم و منطقی از شاخص‌ها که بیانگر ویژگی‌های توسعه روستایی

در منطقه مورد مطالعه باشند، بر اساس تجارب جهانی، ادبیات موضوع و بررسی اطلاعات موجود، شاخص‌های کلیدی و اثرگذار در وضعیت توسعه روستایی شناسایی و با توجه به رویکردی نظام‌مند انتخاب شدند (کریمی و احمدوند، ۱۳۹۳: ۹۱).

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف بنیادی و نوع روش به‌کار رفته در آن، توصیفی-تحلیلی است؛ و طی آن، سطوح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی شهرستان دشتی (از توابع استان بوشهر) از نظر شاخص‌های توسعه در ابعاد جمعیتی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی-مذهبی، اداری-انتظامی، خدماتی، زیربنایی و ارتباطی بررسی می‌شود. در همین راستا، ۵۹ مؤلفه از داده‌های رسمی آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استخراج شدند (جدول ۱) و از آنها برای تحلیل ۱۴۰ روستا در قالب هفت دهستان چغابور، کاکي، کبگان، خورموج، مرکزی، شنبه و طسوج استفاده شد (جدول ۲).

جدول ۱- شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد بررسی

شاخص	مؤلفه
جمعیتی	۱- معکوس بار تکفل، ۲- درصد باسوادی کل، ۳- درصد باسوادی مردان، ۴- درصد باسوادی زنان، ۵- نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله به کل جمعیت، ۶- درصد شاغلان بخش خدمات به جمعیت شاغل، ۷- درصد شاغلان بخش صنعت به جمعیت شاغل؛
	۸- بوستان روستایی، ۹- کتابخانه عمومی، ۱۰- زمین ورزشی، ۱۱- سالن ورزشی، ۱۲- مسجد، ۱۳- خانه عالم؛
فرهنگی-مذهبی	۱۴- شورای اسلامی روستایی، ۱۵- دهیار، ۱۶- پاسگاه، ۱۷- مرکز خدمات کشاورزی، ۱۸- مروج کشاورزی، ۱۹- شورای حل اختلاف، ۲۰- تعاونی روستایی؛
اداری-انتظامی	۲۱- راه آسفاته، ۲۲- شبکه برق، ۲۳- گاز لوله‌کشی، ۲۴- آب لوله‌کشی؛
زیربنایی	۲۵- نمایندگی پخش نفت سفید، ۲۶- نمایندگی پخش سیلندر گاز ۲۷- فروشگاه تعاونی، ۲۸- بقالی، ۲۹- نانوايي، ۳۰- گوشت‌فروشی، ۳۱- بانک، ۳۲- تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی، ۳۳- تعمیرگاه ماشین‌آلات غیرکشاورزی، ۳۴- جایگاه سوخت؛
خدماتی	۳۵- روستامهد، ۳۶- دبستان، ۳۷- مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی، ۳۸- مدرسه راهنمایی، ۳۹- دبیرستان شبانه‌روزی، ۴۰- دبیرستان نظری، ۴۱- دبیرستان کاردانش؛
آموزشی	۴۲- مرکز بهداشتی درمانی، ۴۳- داروخانه، ۴۴- خانه بهداشت، ۴۵- پایگاه بهداشت، ۴۶- مرکز تسهیلات زایمان، ۴۷- پزشک خانواده، ۴۸- پزشک، ۴۹- دندانپزشک و بهداشت‌کار دهان و دندان، ۵۰- بهیار و مامای روستایی، ۵۱- بهورز، ۵۲- دامپزشک، ۵۳- آزمایشگاه و رادیولوژی؛
بهداشتی	۵۴- صندوق پست، ۵۵- دفتر پست، ۵۶- دفتر مخابرات، ۵۷- دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۵۸- اینترنت عمومی، ۵۹- دسترسی به وسیله نقلیه عمومی.
ارتباطی	

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲- مناطق روستایی مورد مطالعه شهرستان دشتی

بخش	دهستان	تعداد روستا	جمعیت	خانوار
کاکي	چغاپور	۲۹	۵۲۴۵	۱۳۲۷
کاکي	کاکي	۲۵	۲۶۲۴	۶۷۳
کاکي	کبگان	۲۷	۵۰۹۵	۱۳۶۴
مرکزي	خورموج	۱۴	۴۴۸۰	۱۲۹۵
مرکزي	مرکزي	۱۳	۵۷۶۴	۱۵۲۱
شنبه و طسوج	شنبه	۱۹	۴۴۳۸	۱۰۸۵
شنبه و طسوج	طسوج	۱۳	۹۰۹	۲۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، برای تحلیل داده‌ها نیز از شیوه فازی روش‌های ترجیح بر اساس مشابهت به راه‌حل ایده‌آل (تاپسیس)^(۵) استفاده شد.

از آنجا که داده‌های یک فرایند تولید و یا یک سازوکار خدمت‌رسانی معمولاً پیچیده است و جمع‌آوری داده‌های صحیح از آنها مشکل است، برای کار با داده‌های غیرقطعی و یا بازه‌ای از داده‌ها باید از روشی ویژه استفاده قرار کرد (Li and Reeves, 1999). از این‌رو، می‌توان از منطق فازی در شیوه‌های تصمیم‌گیری مختلف استفاده کرد و از مزایای آن بهره برد. یکی از این شیوه‌ها تاپسیس است که با کاربرد منطق فازی در آن، به شیوه تاپسیس فازی تبدیل می‌شود (تبریزعالم و همکاران، ۱۳۸۸). شیوه تاپسیس که اولین بار از سوی هوانگ^(۶) و یون^(۷) در سال ۱۹۸۱ ارائه شد (Hui et al, 2008)، یکی از کارآترین روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^(۸) بوده و الگوریتمی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس شباهت‌هایشان محسوب می‌شود که بر اساس یک ماتریس $m \times n$ با m گزینه و n شاخص یا معیار، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۹۰). مفهوم این مدل انتخاب کوتاه‌ترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت و دورترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی به منظور حل مسائلی است که با ضوابط تصمیم‌گیری متعدد روبه‌روست (Jadidi et al., 2008). در این الگوریتم، فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهش‌یکنواخت است (Hao, 2006). روش تصمیم‌گیری چندمتغیره تاپسیس که با هدف رتبه‌بندی و تعیین گزینه‌ی مطلوب انجام می‌گیرد، بین صفر و یک قرار دارد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ایده‌آل بودن آن است. برای انجام عملیات به شیوه تاپسیس فازی^(۹) می‌توان از

روش‌های متفاوت بهره‌گرفت که از متداول‌ترین آنها روش وضع‌شده از سوی هوانگ و چن^(۱۰) است. در این روش، مراحل کار به شرح زیر است (اصغریور، ۱۳۹۳):

مرحله ۱- تشکیل ماتریس تصمیم

با توجه به تعداد معیارها و تعداد گزینه‌ها، ماتریس تصمیم به صورت زیر تشکیل می‌شود:

$$\tilde{D} = \begin{bmatrix} \tilde{x}_{11} & \tilde{x}_{12} & \dots & \tilde{x}_{1n} \\ \tilde{x}_{21} & \tilde{x}_{22} & \dots & \tilde{x}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ \tilde{x}_{m1} & \tilde{x}_{m2} & \dots & \tilde{x}_{nm} \end{bmatrix} \quad (1)$$

که چنانچه از اعداد فازی مثلثی استفاده شود، $\tilde{x}_{ij} = (a_{ij}, b_{ij}, c_{ij})$ عملکرد گزینه i در رابطه با معیار j ($i=1,2,3,\dots,m$ و $j=1,2,3,\dots,n$) است.

اگر کمیته تصمیم‌گیری دارای K عضو باشد و رتبه‌بندی فازی K امین تصمیم‌گیرنده $\tilde{x}_{ijk} = (a_{ijk}, b_{ijk}, c_{ijk})$ به ازای $i=1,2,3,\dots,m$ و $j=1,2,3,\dots,n$ باشد، با توجه به معیارهای رتبه‌بندی فازی ترکیبی گزینه‌ها را می‌توان بر اساس روابط زیر به دست آورد:

$$a_{ij} = \min_k \{a_{ijk}\} \quad (2)$$

$$b_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^k b_{ijk}}{k} \quad (3)$$

$$c_{ij} = \max_k \{c_{ijk}\} \quad (4)$$

مرحله ۲- تعیین ماتریس وزن معیارها

در این مرحله، ضریب اهمیت معیارها در تصمیم‌گیری به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\tilde{W} = [\tilde{w}_1, \tilde{w}_2, \dots, \tilde{w}_n] \quad (5)$$

که چنانچه از اعداد مثلثی استفاده شود، هر کدام از مؤلفه‌های w_j (وزن هر معیار) به صورت $\tilde{w}_j = (w_{j1}, w_{j2}, w_{j3})$ تعریف خواهد شد.

اگر کمیته تصمیم‌گیری دارای K عضو باشد و ضریب اهمیت K امین تصمیم‌گیرنده $\tilde{w}_{jk} = (w_{jk1}, w_{jk2}, w_{jk3})$ (عدد فازی مثلثی) به ازای $j=1,2,3,\dots,n$ باشد، رتبه فازی ترکیبی را می‌توان از روابط زیر به دست آورد:

$$w_{j1} = \min_k \{w_{jk1}\} \quad (۶)$$

$$w_{j2} = \frac{\sum_{k=1}^k w_{jk2}}{k} \quad (۷)$$

$$w_{j3} = \max_k \{w_{jk3}\} \quad (۸)$$

مرحله ۳- بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم‌گیری

برای بی‌مقیاس کردن، از تغییر مقیاس خطی^(۱۱) برای تبدیل مقیاس معیارهای مختلف به مقیاس قابل مقایسه استفاده می‌شود. در اعداد فازی مثلثی، درایه‌های ماتریس تصمیم بی‌مقیاس برای معیارهای مثبت و منفی، به ترتیب، از روابط زیر محاسبه می‌شود:

$$\tilde{r}_{ij} = \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+}, \frac{b_{ij}}{c_j^+}, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \right) \quad (۹)$$

$$\tilde{r}_{ij} = \left(\frac{a_j^-}{c_{ij}}, \frac{a_j^-}{b_{ij}}, \frac{a_j^-}{a_{ij}} \right) \quad (۱۰)$$

که در این روابط:

$$c_j^+ = \max_i c_{ij} \quad (۱۱)$$

$$a_j^- = \min_i a_{ij} \quad (۱۲)$$

بنابراین، ماتریس فازی بی‌مقیاس شده به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\tilde{R} = [\tilde{r}_{ij}]_{m \times n} \quad i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n \quad (۱۳)$$

که در آن، m بیانگر تعداد گزینه‌ها و n بیانگر تعداد معیارهاست.

مرحله ۴- تعیین ماتریس تصمیم فازی وزن دار

با توجه به وزن معیارهای مختلف، ماتریس تصمیم فازی وزن دار از ضرب کردن ضریب اهمیت مربوط به هر معیار در ماتریس بی‌مقیاس شده فازی به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\tilde{v}_{ij} = \tilde{r}_{ij} \cdot \tilde{w}_j \quad (14)$$

که در آن، \tilde{w}_i بیانگر ضریب اهمیت معیار C_j است.

بنابراین، ماتریس تصمیم فازی وزن دار به صورت زیر خواهد بود:

$$\tilde{v} = [\tilde{v}_{ij}]_{m \times n} \quad i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n \quad (15)$$

اگر اعداد فازی به صورت مثلثی باشند، برای معیارهای مثبت و منفی، به ترتیب،

داریم:

$$\tilde{v}_{ij} = \tilde{r}_{ij} \cdot \tilde{w}_j = \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+}, \frac{b_{ij}}{c_j^+}, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \right) (w_{j1}, w_{j2}, w_{j3}) = \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+} \cdot w_{j1}, \frac{b_{ij}}{c_j^+} \cdot w_{j2}, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \cdot w_{j3} \right) \quad (16)$$

$$\tilde{v}_{ij} = \tilde{r}_{ij} \cdot \tilde{w}_j = \left(\frac{a_j^-}{c_{ij}}, \frac{a_j^-}{b_{ij}}, \frac{a_j^-}{a_{ij}} \right) (w_{j1}, w_{j2}, w_{j3}) = \left(\frac{a_j^-}{c_{ij}} \cdot w_{j1}, \frac{a_j^-}{b_{ij}} \cdot w_{j2}, \frac{a_j^-}{a_{ij}} \cdot w_{j3} \right) \quad (17)$$

مرحله ۵- یافتن حل ایده‌آل فازی $(FPIS, A^+)^{(12)}$ و حل ضد ایده‌آل فازی $(FNIS, A^-)^{(13)}$

حل ایده‌آل فازی و حل ضد ایده‌آل فازی، به ترتیب، به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$A^+ = \{\tilde{v}_1^+, \tilde{v}_2^+, \dots, \tilde{v}_n^+\} \quad (18)$$

$$A^- = \{\tilde{v}_1^-, \tilde{v}_2^-, \dots, \tilde{v}_n^-\} \quad (19)$$

که در آنها، \tilde{v}_i^+ بهترین مقدار معیار i از بین تمام گزینه‌ها و \tilde{v}_i^- بدترین مقدار معیار i از بین تمام گزینه‌هاست. این مقادیر از روابط زیر به دست می‌آیند:

$$\tilde{v}_j^+ = \text{Max}_i \{\tilde{v}_{ij3}\} \quad i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n \quad (20)$$

$$\tilde{v}_j^- = \text{Max}_i \{\tilde{v}_{ij1}\} \quad i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n \quad (21)$$

گزینه‌هایی که در A^+ و A^- قرار دارند، به ترتیب، گزینه‌های کاملاً بهتر و کاملاً بدترند.

مرحله ۶- محاسبه فاصله از حل ایده‌آل و ضد ایده‌آل فازی

فاصله هر گزینه از حل ایده‌آل و ضد ایده‌آل فازی، به ترتیب، از روابط زیر قابل محاسبه است:

$$S_i^+ = \sum_{j=1}^n d(\tilde{v}_{ij}, \tilde{v}_j^+) \quad i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n \quad (22)$$

$$S_i^- = \sum_{j=1}^n d(\tilde{v}_{ij}, \tilde{v}_j^-) \quad i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n \quad (23)$$

D فاصله بین دو عدد فازی است که اگر (a_1, b_1, c_1) و (a_2, b_2, c_2) دو عدد فازی مثلثی باشند، فاصله دو عدد برابر است با:

$$d_2(\tilde{M}_1, \tilde{M}_2) = \sqrt{\frac{1}{3}[(a_1 - a_2)^2 + (b_1 - b_2)^2 + (c_1 - c_2)^2]} \quad (24)$$

مرحله ۷- محاسبه شاخص شباهت

شاخص شباهت از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$CC1 = \frac{S_i^-}{S_i^+ + S_i^-} \quad i=1,2,3,\dots,m \quad (25)$$

مرحله ۸- رتبه‌بندی گزینه‌ها

در این مرحله، با توجه به میزان شاخص شباهت، گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند.

به منظور دستیابی به رهیافتی دقیق، در نخستین گام، باید داده‌های اولیه برای انجام محاسبات به ارقامی فازی مبدل شوند. لازم به ذکر است که در مطالعه حاضر، از میان انواع مختلف ارقام فازی، نوع مثلثی به کار گرفته شده است. از آنجا که عدد فازی مثلثی یک مجموعه فازی پیوسته است که تابع عضویت آن به صورت زیر است:

$$\mu(x) = \begin{cases} 0 & : x < a_1 \\ -((a_2 - x)/(a_2 - a_1)) + 1 & ; a_1 < x < a_2 \\ -((x - a_2)/(a_3 - a_2)) + 1 & ; a_2 < x < a_3 \\ 0 & ; x > a_3 \end{cases} \quad (26)$$

اعداد فازی مثلثی به صورت سه تایی $(a_1 a_2 a_3)$ نشان داده می‌شوند. پس، هر عدد قطعی مانند m را نیز می‌توان به صورت عدد فازی مثلثی $(m m m)$ نشان داد (نعمتی و رئیس، ۱۳۸۴). در همین راستا، با توجه به تعداد معیارها و تعداد گزینه‌ها و نیز روابط ۱، ۲، ۳ و ۴ ماتریس تصمیم‌گیری تشکیل و سپس، با استفاده از رابطه ۲۶ اعداد قطعی به اعداد فازی مثلثی تبدیل می‌شوند تا ماتریس تصمیم‌گیری اعداد مثلثی فازی تشکیل شود (جدول ۳).

در راستای تحلیل داده‌ها با استفاده از روابط ۲، ۳ و ۴ ماتریس C تشکیل می‌شود و در ادامه، با استفاده از روابط ۵، ۶، ۷ و ۸ رتبه‌فازی ماتریس ترکیبی مشخص می‌شوند تا با استفاده از روابط ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ ماتریس بی‌مقیاس شده فازی به دست آید. در ادامه تحلیل‌ها برای تعیین ماتریس تصمیم وزنی داده‌ها ابتدا باید وزن هر معیار مشخص شود. از آنجا که معمولاً شاخص‌های مورد استفاده دارای ارزش و اهمیت یکسان نیستند، برای از بین بردن این تفاوت‌ها، باید به محاسبه وزنی برای شاخص‌های مورد نظر اقدام کرد. به منظور اعمال وزندهی به شاخص‌ها می‌توان از روش‌هایی همچون پنل متخصصان، آنترپوی شانون، برادر ویژه، تحلیل سلسله‌مراتبی، و LINMAP بهره گرفت (Malczewski, 1999).

در پژوهش حاضر، وزن شاخص‌های پیشنهادی از طریق پنل متخصصان و در قالب طیف بسیار زیاد، زیاد، تاحدودی زیاد، مناسب، تا حدودی کم، کم و بسیار کم و به ترتیب مقادیر فازی $(9, 10, 10)$ ، $(7, 9, 10)$ ، $(5, 7, 9)$ ، $(3, 5, 7)$ ، $(1, 3, 5)$ ، $(0, 3, 1)$ و $(0, 0, 1)$ تعیین شده است. حال با استفاده از روابط ۱۴، ۱۵ و ۱۶ ماتریس تصمیم وزنی تشکیل و در ادامه، با استفاده از روابط ۱۸ تا ۲۱ حل ایده‌آل فازی و حل ضد ایده‌آل فازی به دست می‌آیند. سپس، ادامه کار با استفاده از روابط ۲۲ تا ۲۴ فاصله هر گزینه تا راه‌حل ایده‌آل فازی و راه‌حل ضد ایده‌آل فازی (جدول ۴) محاسبه می‌شود تا با استفاده از رابطه ۲۵ شباهت بین گزینه‌ها مشخص شود و بتوان نسبت به رتبه‌بندی آنها اقدام کرد.

جدول ۳- تشکیل ماتریس فازی داده‌ها

نام دهستان	شاخص ۱	شاخص ۲	شاخص ۳	شاخص ۴	شاخص ۵	شاخص ۶	شاخص ۷	شاخص ۸	شاخص ۹	شاخص ۱۰	شاخص ۱۱	شاخص ۱۲	شاخص ۱۳	شاخص ۱۴	شاخص ۱۵
چنابور	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۴
کاکي	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کيكان	۰	۰	۰	۳	۳	۳	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۱	۱	۱	۰.۲	۰.۲	۰.۲
خورموج	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۱	۱	۱	۰.۲	۰.۲	۰.۲
مرکزی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰.۲	۰.۲	۰.۲
شنيه	۰	۰	۰	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰
طسوج	۱	۱	۱	۹	۹	۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نام دهستان	۱۶ شاخص	۱۷ شاخص	۱۸ شاخص	۱۹ شاخص	۲۰ شاخص	۲۱ شاخص	۲۲ شاخص	۲۳ شاخص	۲۴ شاخص	۲۵ شاخص	۲۶ شاخص	۲۷ شاخص	۲۸ شاخص	۲۹ شاخص	۳۰ شاخص
چنابور	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۲	۰	۰	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۴
کاکي	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کيكان	۰.۴	۰	۰.۴	۰.۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰	۰	۰
خورموج	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۱	۱	۱	۰.۲	۰.۲	۰.۲
مرکزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۲	۰.۲	۰.۲
شنيه	۰.۵	۰	۰.۵	۰	۰	۰	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۲	۰.۲	۰.۲
طسوج	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نام دهستان	۳۱ شاخص	۳۲ شاخص	۳۳ شاخص	۳۴ شاخص	۳۵ شاخص	۳۶ شاخص	۳۷ شاخص	۳۸ شاخص	۳۹ شاخص	۴۰ شاخص	۴۱ شاخص	۴۲ شاخص	۴۳ شاخص	۴۴ شاخص	۴۵ شاخص
چنابور	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۲	۰	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰
کاکي	۰.۴	۰	۰.۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کيكان	۰.۶	۱	۰.۶	۰.۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خورموج	۰.۷	۱	۰.۷	۰.۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مرکزی	۰.۲	۰	۰.۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
شنيه	۰.۲	۱	۰.۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
طسوج	۱.۱	۱	۱.۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نام دهستان	۴۶ شاخص	۴۷ شاخص	۴۸ شاخص	۴۹ شاخص	۵۰ شاخص	۵۱ شاخص	۵۲ شاخص	۵۳ شاخص	۵۴ شاخص	۵۵ شاخص	۵۶ شاخص	۵۷ شاخص	۵۸ شاخص	۵۹ شاخص	
چنابور	۰	۰	۰	۰.۶	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کاکي	۰.۴	۰	۰.۴	۰.۸	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کيكان	۰.۴	۰	۰.۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
خورموج	۰.۲	۰	۰.۲	۰.۷	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مرکزی	۰.۲	۰	۰.۲	۰.۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
شنيه	۰	۰	۰.۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
طسوج	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- محاسبه فاصله هر گزینه تا راه حل ایده آل و راه حل ضد ایده آل فازی

S-	S+	نام دهستان	نام بخش
۱۴۱/۵۵	۳۶۹/۲۳	چغابور	کاکي
۱۸۵/۰۵	۳۳۰/۲۶	کاکي	کاکي
۲۳۱/۴۵۱	۲۸۸/۰۶	کبگان	کاکي
۲۳۴/۱۷	۲۸۵/۵۱	خورموج	مرکزی
۱۴۸/۵۶	۳۶۲/۴۳	مرکزی	مرکزی
۱۲۸/۱۹	۳۸۱/۴۱	شنبه	شنبه و طسوج
۱۹۶/۶۱	۳۲۲/۱۲	طسوج	شنبه و طسوج

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج و بحث

با عنایت به محاسبات انجام شده (تعیین فاصله هر گزینه از راه حل ایده آل و راه حل ضد ایده آل فازی و اولویت بندی گزینه‌ها بر اساس شباهت هایشان)، حال می‌توان دهستان‌های مورد مطالعه را بر اساس میزان توسعه یافتگی رتبه بندی کرد (جدول ۵).

جدول ۵- محاسبه درجه توسعه یافتگی دهستان‌ها

Cci	نام دهستان	نام بخش	رتبه
۰/۴۵۱	خورموج	مرکزی	۱
۰/۴۴۶	کبگان	کاکي	۲
۰/۳۷۹	طسوج	شنبه و طسوج	۳
۰/۳۵۹	کاکي	کاکي	۴
۰/۲۹۱	مرکزی	مرکزی	۵
۰/۲۷۷	چغابور	کاکي	۶
۰/۲۵۲	شنبه	شنبه و طسوج	۷

منبع: یافته‌های پژوهش

در پایان، برای ترسیم سیمای جامع از توسعه یافتگی مناطق روستایی دهستان‌های شهرستان دشتی در قالب اصلی ترین هدف پژوهش حاضر، با توجه به مقادیر به دست آمده، گزینه‌ها در سه سطح گنجانده می‌شوند:

- سطح اول با ضریب ۰/۴۵ - ۳۸/۳ دهستان‌های توسعه یافته؛
- سطح دوم با ضریب ۳۸/۴ - ۳۱/۷ دهستان‌های دارای توسعه متوسط؛ و
- سطح سوم با ضریب ۰/۲۵ - ۳۱/۶ دهستان‌های محروم.

طبق نتایج به‌دست آمده، با توجه به مؤلفه‌های مورد مطالعه، دهستان‌های خورموج با ۰/۴۵۱ (رتبه اول) و کبگان با ۰/۴۴۶ (رتبه دوم) نسبت به سایر دهستان‌ها در مقوله توسعه روستایی برخوردار محسوب می‌شوند؛ دهستان‌های طسوج با ۰/۳۷۹ (رتبه سوم) و کاکلی با ۰/۳۵۹ (رتبه چهارم) در زمره دهستان‌های متوسط از لحاظ توسعه روستایی قرار می‌گیرند؛ و دهستان‌های مرکزی با ۰/۲۹۱ (رتبه پنجم)، چغابور با ۰/۲۷۷ (رتبه ششم) و شنبه با ۰/۲۵۲ (رتبه هفتم) در ردیف مناطق محروم جای دارند. هرچند، در تبیین توسعه نامتعادل و نامتوازن مناطق روستایی شهرستان دشتی، باید اذعان داشت که فقدان تعادل و برابری در توزیع بهینه امکانات و خدمات روستایی بیشترین نقش را در پدید آمدن فضاهای نابرابر جغرافیایی ایفا کرده است، به‌گونه‌ای که توسعه ناموزون مناطق درونی این شهرستان ضمن آشکار ساختن اجرای نه‌چندان موفق طرح‌های عمرانی روستایی در توزیع عادلانه امکانات، از عدم برنامه‌ریزی دقیق و مدون در راستای توسعه همه‌جانبه و همسوی مناطق روستایی پرده برمی‌دارد و توسعه تصادفی و نامنسجم شهرستان در ابعاد روستایی را تأیید می‌کند.

همچنین، اگرچه سطح کلی دسترسی به منابع و شاخص‌های توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نقاط مختلف کشور به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است، ولی هنوز مناطق بسیاری از نابرابری در دسترسی به خدمات رنج می‌برند، چنان‌که پژوهش حاضر نیز از همین نابرابری توسعه در نظام منطقه‌ای حکایت دارد. اما این عدم توازن تنها به استان بوشهر و شهرستان دشتی ختم نمی‌شود و مطالعات مشابه بسیاری را می‌توان نام برد که هر کدام به‌نوعی به ابعاد مختلف نابرابری (اعم از محلی، منطقه‌ای و ملی) در کشور اشاره می‌کنند. برای نمونه، مطالعه داداش‌پور و همکاران (۳۹۰) با هدف بررسی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با استفاده از شاخص‌های متعدد، مطالعه بدری و همکاران (۱۳۹۱) در خصوص سنجش وضعیت مناطق روستایی شهرستان فسا، مطالعه عبدلی و همکاران (۱۳۹۳) در خصوص بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان استان لرستان، و مطالعه سرور و خلیجی (۱۳۹۴) با هدف بررسی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد همگی بر

نابرابری و عدم تخصیص فضایی عادلانه امکانات و خدمات صحه گذاشته و دستاوردی منطبق بر یافته‌های پژوهش حاضر ارائه کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج به‌دست آمده از سنجش میزان دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و دیگر زیرساخت‌ها در مناطق روستایی شهرستان دشتی که مبین عدم دسترسی مطلوب روستاییان به امکانات و خدمات توسعه و نیز توسعه‌نیافتگی بخش عظیم مناطق روستایی این شهرستان است، باید اذعان داشت که این شهرستان به لحاظ توسعه روستایی به هیچ عنوان از وضعیت استاندارد و قابل قبول برخوردار نیست و عدم توازن بین میزان دسترسی به امکانات و جمعیت ساکن در نقاط روستایی بسیار مشهود است. بر اساس نتایج بررسی حاضر، تحلیل فقر و محرومیت محلی، منطقه‌ای و ملی در ارتباط متقابل با یکدیگرند و مطرح شدن آن در دیدگاه سیستمی نیازمند تلاشی جامع و همه‌جانبه‌ای است که در برنامه‌ریزی آمایش باید مورد مطالعه قرار گیرد، چرا که آمایش در پی تعادل بخشی به عدم تعادل‌های منطقه‌ای با دیدگاهی جامع و کلی‌نگر، با در نظر گرفتن امکانات، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مناطق مختلف است که می‌تواند به عنوان برنامه‌ای منسجم و با کارایی بالا برای رسیدن به تعادل و رفع نابرابری‌ها مورد استفاده قرار گیرد و ضمن تسریع روند توسعه و نیز هماهنگی و موزون ساختن آن، در قالب برنامه‌ریزی فضایی، روستاها و سکونتگاه‌های محروم را به سمت برخورداری و همچنین، رهایی از فقر سوق دهد. از این‌رو، بدون تردید، دستیابی به توسعه مطلوب و تحقق رفاه نسبی در مناطق محروم شهرستان دشتی مستلزم بازنگری در وضعیت کنونی، برنامه‌ریزی در راستای افزایش کمی و کیفی منابع، به‌کارگیری ظرفیت‌های جدید، سیاست‌گذاری‌های نوین اجتماعی و اتخاذ راهبرد عدالت اجتماعی در راستای آمایش ملی - منطقه‌ای و تخصیص هدفمند خدمات است تا همه مناطق بتوانند از توسعه متوازن و متعادل بهره‌مند شوند. با عنایت به نقش حیاتی مناطق روستایی در توسعه نظام سرزمینی و همچنین، اثرات سوء محرومیت محلی در توسعه منطقه‌ای و ملی، در راستای سازمان‌دهی فضایی

مناطق روستایی شهرستان دشتی، پیشنهاد می‌شود ضمن استفاده از ظرفیت علمی پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه توسعه روستایی برای انجام مطالعات و بررسی‌های بیشتر در راستای تبیین وضعیت موجود بخش‌ها و دهستان‌های شهرستان دشتی، تدوین طرح جامع توسعه روستایی این شهرستان، ارتقای کمی و کیفی خدمات و فرصت‌های توسعه در مناطق محروم روستایی شهرستان با اولویت‌دهی به شاخص‌های دارای اهمیت و وزن بیشتر (شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی، و آموزشی)، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی برای تحریک بخشی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاها و بازتوزیع بهینه منابع و امکانات عمومی در مناطق روستایی شهرستان با نگاه ویژه به ضریب محرومیت هر دهستان در راستای تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله بین نواحی برخوردار و محروم، در دستور کار متولیان امر قرار گیرد.

یادداشت‌ها

1. Todaro
2. Myrdal
3. Sears
4. Harvldvr
5. Technique for Order of Preference by Similarity to Ideal Solution (TOPSIS)
6. Hwang
7. Yoon
8. Multi-Attribute Decision Making
9. TOPSIS Fuzzy
10. Chen
11. linear scale transformation
12. Fuzzy Positive Ideal Solution (FPIS)
13. Fuzzy Negative Ideal Solution (FNIS)

منابع

اصغرپور، م. ج. (۱۳۹۳)، *تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره*. تهران: دانشگاه تهران.
 بدری، س. ع.؛ فرجی سبکیار، ح.؛ جاودان، م.؛ و شرفی، ح. (۱۳۹۱)، «رتبه‌بندی سطح پایداری مناطق روستایی بر اساس مدل وایکور، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان فسا- استان فارس». *جغرافیا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲۶، صص ۱-۲۰.

- بدری، ع.؛ قهرودی تالی، م.؛ و اکبریان رونیزی، س. (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی روش‌های سنجش توسعه‌یافتگی در مطالعات ناحیه‌ای». *جغرافیا و توسعه*، سال ۴، شماره ۷، صص ۵-۲۲.
- پناهی، ر. و مرسلی، ا. (۱۳۸۵)، «بررسی اشتغال شهری و روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص ۱۴۳-۱۶۶.
- پورطاهری، م.؛ سجاسی قیداری، ح.؛ و صادقلو، ت. (۱۳۸۹)، «سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده)». *پژوهش‌های روستایی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱-۳۱.
- تبریزعالم، ا.؛ رجبی پورمبیدی، ع.؛ و زارعیان، م. (۱۳۸۸)، «بررسی کارکرد تکنیک تاپسیس فازی در بهبود سنجش کارایی شعب بانک‌ها با استفاده از تکنیک DEA». *مدیریت صنعتی*، سال ۱، شماره ۳، صص ۹۹-۱۱۸.
- تقوی، م. (۱۳۸۰)، «اشتغال، بازار کار و درآمد، افزایش ناامنی و نابرابری». *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال ۳۳، شماره ۴۱، صص ۵۳-۶۹.
- داداش‌پور، ه.؛ علیزاده، ب.؛ و مدنی، ب. (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی». *علوم اجتماعی*، سال ۵۳، شماره ۵۳، صص ۱۷۳-۲۰۹.
- رسول‌اف، ج. (۱۳۷۹)، «جایگاه روستا در فرایند رفاه اجتماعی». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۱۵۳-۱۶۱.
- زمانی‌پور، ا. (۱۳۸۷)، *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زنگی‌آبادی، ع.؛ باقری کشکولی، ع.؛ و تبریزی، ن. (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر توزیع فضایی جمعیت و خدمات شهری با تأکید بر عدالت اجتماعی و نابرابری‌های شهری (مطالعه موردی: محلات شهر فیروزآباد فارس)». *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۶، شماره ۵۸، صص ۱۹۱-۲۱۴.
- سرور، ر. و خلیجی، م. (۱۳۹۴)، «سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد». *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۸۹-۱۰۲.
- سعیدی، ع. و رستگار، ا. (۱۳۸۸)، «اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در توسعه اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی، مورد: روستاهای بخش ورای شهرستان مهر». *نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۴۷-۶۳.
- سلطان‌پناه، ه.؛ فاروقی، ه.؛ و گلابی، م. (۱۳۸۹)، «به‌کارگیری و مقایسه تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در رتبه‌بندی کشورها بر مبنای میزان توسعه انسانی». *دانش و فناوری*، سال ۱، شماره ۲، صص ۱-۲۸.

- ضرابی، ا.؛ محمدی، ج.؛ و رخشانی‌نسب، ح. (۱۳۸۷)، «تحلیل شاخص‌های توسعه خدمات و بهداشت و درمان». *رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۲۱۳-۲۳۴.
- ضرابی، ا. و تبریزی، ن. (۱۳۸۹)، «تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران- رویکرد تحلیل عاملی». *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۷.
- عبدلی، ا.؛ صارمی، ح.؛ و فتحی بیرانوند، م. (۱۳۹۳)، «بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های آموزشی و بهداشتی- درمانی طی برنامه چهارم توسعه». *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۱۴۵-۱۶۲.
- قدیری معصوم، م. و حبیبی، ک. (۱۳۸۳)، «سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی شهرها و شهرستان‌های استان گلستان». *علوم اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۲۳، صص ۱۴۷-۱۷۰.
- کردوانی، پ. و شریفی، ص. (۱۳۹۱)، «میزان توسعه‌یافتگی در دهستان‌های شهرستان مریوان: مطالعه موردی بخش مرکزی». *روستا و توسعه*، سال ۱۵، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۳۰.
- کریمی، آ. و عبدشاهی، ع. (۱۳۹۰)، «رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد به روش فازی». *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- کریمی، ف. و احمدوند، م. (۱۳۹۳)، «مدل‌سازی سطوح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد». *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۴، شماره ۳۳، صص ۹۱-۱۱۱.
- کلانتری، خ. (۱۳۹۱)، *مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی)*. تهران: فرهنگ صبا.
- موحد، ع.؛ فیروزی، م. ع.؛ و روزبه، ح. (۱۳۹۰)، «تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای». *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ۲، شماره ۵، صص ۴۳-۵۶.
- نسترن، م.؛ ابوالحسنی، ف.؛ و بختیاری، ن. (۱۳۹۴)، «پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی». *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱-۱۴.
- نظم‌فر، ح. و پادروندی، ب. (۱۳۹۴)، «تحلیل مقایسه‌ای از کاربرد روش‌های تحلیل چندمعیاره در مطالعات منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان لرستان)». *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۳۱-۴۴.
- نعمتی، ر. و رئیسی، غ. (۱۳۸۴)، «رتبه‌بندی عملکردها در مهندسی ارزش فازی». *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مهندسی صنایع*، صص ۵۰-۵۷.

- وارثی، ح.؛ زنگی آبادی، ع.؛ و یغفوری، ح. (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از نظر عدالت اجتماعی، مورد: زاهدان». *جغرافیا و توسعه*، سال ۶، شماره ۱۱، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- Hao, L. (2006), "Application of Topsis in the bidding evaluation of manufacturing enterprises". *5th International Conference on Engineering and Digital Enterprises Technology. China*. Pp. 184-188.
- Hui, Y. T.; Bao, H. H.; and Siou, W. (2008), "Combining ANP and TOPSIS concepts for evaluation the performance of property-liability insurance companies". *Social Sciences*, 4(1): 56-61.
- Jadidi, O.; Hong, T.; Firouzi, F.; Yusuff, R.; and Zulkifli, N. (2008), "TOPSIS and fuzzy multi-objective model integration for supplier selection problem". *Journal of Achievements in Materials and Manufacturing Engineering*, 31(2): 762-769.
- Kanbur, R. (2009), "Poverty and distribution: twenty years ago and now". *Working Papers*, 48918, 1-25.
- Kanbur, R.; Venables, A.; and Wan Wider, G. (2005), "Spatial inequality and development in Asia". *Review of Development Economics*, 9(1): 1-4.
- Li, X. and Reeves, G. A. (1999), "Multiple criteria approach to data envelopment analysis". *European Journal of Operational Research*, 115(3): 507-517.
- Malczewski, J. (1999), *GIS and Multicriteria Decision Analysis*. USA: John Wiley & Sons.
- Patnaik, U. (2005), "Theorizing food security and poverty in the era of economic reforms, India". Public Lecture in the series *Freedom from Hunger*, India International Centre, New Delhi, 161- 200.
- Paul, S. (2012), "Analysis of micro level disparities in urban facility-utility services: a study on Barasal city, West Bengal, India". *Urban and Regional Analysis*, 4(2): 173-188.